

فضای فرهنگی اجتماعی عصر امام علی علیه السلام

نگارش: احد داوری^۱

چکیده

فرایند درک و تفسیر متن با زمینه‌های فکری، اجتماعی، تاریخی و فرهنگی‌ای که در زمان خلق اثر و تکوین متن و گفتار، مولف را احاطه کرده و او در آن جغرافیای خاص فرهنگی، اجتماعی و تاریخی به خلق اثر پرداخته است در ارتباط است و این مطلب در جای خود یک اصل عقلایی در گفتمان معارف بشری است که در تحلیل، تفسیر و معناشناسی یک متن، نوشتار یا گفتار یک اندیشمند، فضای کلی و آهنگ سخن وی را باید مورد عنایت قرار داد. این مساله در مورد امام علی علیه السلام مساله از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا آن حضرت در رأس حکومت اسلامی قرار گرفته و بی‌شک فرامینی که به عنوان حاکم اسلامی از حضرت امیر علیه السلام صادر شده است باید به طور ویژه و با در نظر گرفتن شرایط و موقعیت‌های خاص امام علیه السلام ملاحظه و تفسیر گردد. همچنین امیر مومنان علی علیه السلام، بزرگمرد تاریخ بشریت است که هیچ‌گاه گذشت زمان پرده کهنگی و غبار فراموشی بر سیمای پرفروغ او نیفکنده و از شکوه آن نکاسته و جلوه‌های تقوا، عدالت، جهاد و دیگر صفات برجسته او را از یاد نبرده و در برابر دنیایی از عظمت، دانش و حکمت او سر تعظیم فرود آورده است

با عنایت به مساله مزبور، در این مجال برآنیم تا مجموع شرایط فرهنگی، علمی، اجتماعی و تاریخی عصر حضرت علی علیه السلام را به طور مختصر مورد کنکاش قرار دهیم، این واکاوی به ذکر شرایط کلی پرداخته است که در چنین مواقعی، امام به ایراد خطبه پرداخته و مطالبی را بیان نموده‌اند یا رفتاری را انجام داده‌اند که از لحاظ رفتارشناسی قابل تامل و واکاوی است. بدین منظور پس مفهوم شناسی بحث، به تبیین اهمیت مساله پرداخته شده و با ذکر مثال‌هایی ضرورت مساله تشریح شده است؛ سپس به طور مختصر فضای فرهنگی اجتماعی عصر امام علی علیه السلام از زمان رحلت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم تا شهادت امام علی علیه السلام مورد مذاقه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: امام علی علیه السلام، فرهنگی و اجتماعی، خلافت، ناکثین، مارقین، قاسطین

مقدمه

امیرمومنان علی علیه السلام، بزرگمرد تاریخ بشریت است که هیچ گاه گذشت زمان پرده کهنگی و غبار فراموشی بر سیمای پرفروغ او نیفکنده و از شکوه آن نکاسته و جلوه‌های تقوا، عدالت، جهاد و دیگر صفات برجسته او را از یاد نبرده و در برابر دنیایی از عظمت، دانش و حکمت او سر تعظیم فرود آورده است؛ جاذبه‌های کلام امیرمومنان از مرزهای تعصب و فرقه‌گرایی در گذشته، دوست و دشمن را به ستایش واداشته که با زبان اندیشه و سوز دل گونه‌ای از فضیلت او را بیان کرده اند.

هر فرهنگ نو پدیدمی به زمان نیاز دارد تا در جهان گسترش یافته، فرهنگ و تمدن‌های دیگر را تحت تاثیر قرار دهد، حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم پایه گذار فرهنگ و تمدن اسلامی با کتاب آسمانی خویش قرآن و گفتار، کردار و سیره خود منبعی اصیل و چشمه‌ای جوشان برای این فرهنگ به یادگار گذاشت؛ ولی به دلیل جایگزینی فرهنگ جدید عرب و حجاز و نیز مشکلات پدیدآمده در برابر او و اشتغال به مسائل داخلی مجال نیافت تا پایه‌های فرهنگ اسلامی را - چنان که شایسته است - به صورت جامع و فراگیر باز گفته، به سرزمین‌های دیگر منتقل سازد؛ اما از آنجا که این دین، دین کامل و خاتم بود، می‌بایست فرهنگ نوی را به جامعه بشری عرضه می‌کرد که دارای جامعیت و ابدیت بود و در طول زمان حیات مادی، ذهن بشری را سیراب ساخته، نیازمندی‌های جاودانه او را در قلمرو نسبتش با طبیعت، ماوراء طبیعت، نفس خویش و انسان‌های دیگر بر طرف می‌کرد. بدین جهت مساله ولایت که استمرار خط نبوت است از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم مطرح شد و امامان معصوم علیهم السلام سرچشمه‌های فرهنگ اسلامی و مرجع تعلیم و تربیت عمومی آنان قرار گرفتند. جانشینان به حق پیامبر اسلام به دلیل درک عمیق از ارکان فرهنگ اسلامی، با تفسیر درست آنها، افزون بر اینکه پایه‌های این فرهنگ را در طول زمان تقویت کرده و توسعه می‌دادند، آنها را از سقوط در دامان تحریف و انحراف‌هایی که ممکن است برای هر فرهنگ نوپایی پدید آید، حفظ می‌کردند. ائمه‌علیهم‌السلام هم برای حفظ مصالح کلی و جهانی فرهنگ اسلامی در برابر امم و ملل دیگر کوشیدند و هم در نشر مبانی حق و تبیین درست و شالوده فرهنگ اسلامی و بینش راستین در باره آنها از هیچ کوششی دریغ نمی‌کردند. سرسلسله جنبان این جریان و تداوم بخش حرکت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در ایجاد و توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی، شخصیتی نامدار، جامع و کامل یعنی حضرت علی علیه السلام بود؛ شخصیتی که به گواهی تاریخ، در ترویج فرهنگ اسلامی در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم مرتبه نخست را داشت^۱. اما درک صحیح عملکرد و اقدامات امیر مومنان علی علیه السلام در گرو شناخت صحیح فضای فرهنگی اجتماعی عصر امامت و خلافت آن حضرت است که در این مجال به واکاوی بسیار مختصری در این زمینه می‌پردازیم.

منه‌وم شناسی

از آنجا که درک و انتقال معانی، بدون به کار گیری الفاظ میسر نیست و تلقی غیرهمسان از واژگان، موجب بروز مشکلاتی در فهم مقصود می‌گردد، چاره‌ای جز این نیست که واژگان کلیدی که اهمیت ویژه برای تحقیق دارند و در

۱. کاشفی، محمدرضا، تاثیر امام علی علیه السلام بر فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشنامه نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۳۱۰ و ۳۱۱.

نوشتار مکرر به کار بسته شده‌اند، توضیح داده شوند تا معانی‌ای که نویسنده از آنها در ذهن دارد به درستی به خواننده منتقل و فرایند انتقال پیام محقق گردد. برای نیل به این مقصود در این قسمت به بررسی مفهوم لغوی و اصطلاحی «فرهنگی» و «اجتماعی» خواهیم پرداخت و سپس منظور خود را از «فضای فرهنگی اجتماعی عصر امام علی علیه السلام» به طور اصطلاحی بیان خواهیم کرد.

واژه «فرهنگی»

فرهنگ از پیشوند «فر»+ «هنگ» از ریشه تنگ تشکیل شده است^۱ که از لحاظ لغوی در معانی زیر به کار رفته است: علم و دانش^۲، ادب و تربیت^۳، بزرگی و سنجیدگی، کتاب لغت فارسی^۴، مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم^۵، آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت^۶، عقل و خرد^۷، آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت، امور مربوط به مدارس و آموزشگاه‌ها^۸، تدبیر و چاره، مجموعه‌ای از آگاهی‌های فردی در باره هنر، ادبیات، علم سیاست و مانند آنها که کسی برای ارتقای فکری و تربیتی خود می‌آموزد^۹.

در دایرة المعارف فارسی این واژه در علم مردم شناسی به معنی «راه و رسم زندگی یک جامعه» آمده است^{۱۰} و در «فرهنگ بزرگ سخن» اولین معنای این واژه چنین آمده است: «پدیده کلی پیچیده‌ای از آداب، رسوم، اندیشه، هنر و شیوه زندگی که در طی تجربه تاریخی اقوام شکل می‌گیرد و قابل انتقال به نسل‌های بعد است»^{۱۱}.

هر قوم و ملتی به مقتضای زمان و مکان و عواملی موثر بر آن شکل خاص و ساختار ویژه‌ای دارند که همان شکل و ساختار، منشأ تصمیم‌ها و انگیزه‌ها، حرکات و سکناات آن قوم و ملت خواهد بود که در قرآن کریم از این معنی به «شاکله» تعبیر شده است^{۱۲} آنجا که می‌فرماید: «قُلْ كُلُّ يَغْمَلُ عَلَيَّ شَاكِلَتِهِ»^{۱۳}.

۱. دهخدا، علی اکبر (۱۲۵۸-؟-۱۳۳۴ش)؛ لغت نامه دهخدا، ج ۱۱، ص ۱۷۱۳۲.

۲. برهان، محمد حسین بن خلف (قرن ۱۱)؛ برهان قاطع، ج ۳، ص ۱۴۸۱؛ معین، محمد (۱۲۹۱-۱۳۵۰ش)؛ فرهنگ فارسی، ج ۲،

ص ۲۵۳۸؛ دهخدا، علی اکبر (۱۲۵۸-؟-۱۳۳۴ش)؛ لغت نامه دهخدا، ج ۱۱، ص ۱۷۱۳۲.

۳. برهان، محمد حسین بن خلف (قرن ۱۱)؛ برهان قاطع، ج ۳، ص ۱۴۸۱؛ عمید، حسن؛ فرهنگ عمید، ج ۳، ص ۱۸۳۷.

۴. برهان، محمد حسین بن خلف (قرن ۱۱)؛ برهان قاطع، ج ۳، ص ۱۴۸۱

۵. معین، محمد (۱۲۹۱-۱۳۵۰ش)؛ فرهنگ فارسی، ج ۲، ص ۲۵۳۸.

۶. عمید، حسن؛ فرهنگ عمید، ج ۳، ص ۱۸۳۷.

۷. دهخدا، علی اکبر (۱۲۵۸-؟-۱۳۳۴ش)؛ لغت نامه دهخدا، ج ۱۱، ص ۱۷۱۳۲.

۸. پیشین؛ نیز انوری، حسن؛ فرهنگ بزرگ سخن، ج ۶، ص ۵۳۴۷.

۹. انوری، حسن؛ فرهنگ بزرگ سخن، ج ۶، ص ۵۳۴۷

۱۰. مصاحب، غلامحسین (۱۲۸۹-۱۳۵۸ش)؛ دایرة المعارف فارسی، ج ۲، ص ۱۸۵۹.

۱۱. انوری، حسن؛ فرهنگ بزرگ سخن، ج ۶، ص ۵۳۴۶.

۱۲. حسینی دشتی، مصطفی، معارف و معاریف، ج ۸، ص ۴۹.

۱۳. اسراء/ ۸۴

از جنبه اصطلاحی برای فرهنگ تعریف‌های گوناگونی صورت گرفته است^۱، برخی آن را «مجموعه رفتارهای اکتسابی و ویژگی‌های اعتقادی جامعه» دانسته‌اند و عده‌ای در تعریف آن آورده‌اند: «انبوه واکنش‌های حرکتی اکتسابی، فنون، اندیشه‌ها، ارزش‌ها و رفتار ناشی از آنها فرهنگ را تشکیل می‌دهند»؛ بنابراین جوهره اصلی فرهنگ «اندیشه و معرفت» است که به همه امور زندگی انسان از کوچکترین تا بزرگترین سطح ارتباط می‌یابد و رابطه فرد با همه امور زندگی را بیان می‌کند و انسان برای زندگی در جامعه آنها را یاد می‌گیرد و لذا اکتسابی است^۲.

واژه «اجتماعی»

از لحاظ لغوی برای اجتماع معانی مختلفی بیان شده است، از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: گرد آمدن، تجمع کردن، انجمن شدن، فراهم آمدن، اتفاق کردن بر چیزی، گروه فراهم آمده، دسته‌ای که برای هدفی مشترک گرد هم جمع شوند، جامعه^۳.

فضای فرهنگی اجتماعی عصر امام علی علیه السلام

با توجه به آنچه ذکر شد ما در این مجال در صدد بررسی و ذکر مختصر مجموع شرایط فرهنگی، علمی، اجتماعی و تاریخی عصر حضرت علی علیه السلام هستیم که در چنین مواقعی، امام به ایراد خطبه پرداخته و مطالبی را بیان نموده‌اند یا رفتاری را انجام داده‌اند که از لحاظ رفتارشناسی قابل تامل و واکاوی است.

اهمیت و ضرورت مساله

فرایند درک و تفسیر متن با چند عنصر مهم در ارتباط است: نخست مولف و دنیای ذهنی او که خالق اثر و کسی است که به منظور تفهیم و بازیابی ایده‌ها، احساس‌ها و دنیای ذهنی خویش، به نظم آوردن و آرایش جملات متن دست یازیده است. دوم خود متن که یک ساختار زبانی و دارای مناسبات در روابط درونی خاصی است؛ روابطی که ریشه در دنیای الفاظ و معانی و ساختارهای هر زبان دارد و سومین عنصر مهم، زمینه‌های فکری، اجتماعی، تاریخی و فرهنگی‌ای است که در زمان خلق اثر و تکوین متن و گفتار، مولف را احاطه کرده و او در آن جغرافیای خاص فرهنگی، اجتماعی و تاریخی به خلق اثر پرداخته است و این مطلب در جای خود یک اصل عقلایی در گفتمان متعارف بشری است که در تحلیل، تفسیر و معناشناسی یک متن، نوشتار یا گفتار یک اندیشمند، فضای کلی و آهنگ سخن وی را باید مورد عنایت قرار داد و با توجه به آن جهت‌گیری محوری، از میان معانی نهفته و محتمل در کلام، احراز کرد و در پرتو تناسب سیاق کلام، مراد وی را بازشناسی نمود. روایات صادر شده از پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام از این قاعده مستثنا نیست؛ فهم درست و صحیح آن سخنان گهربار به شناخت و معرفت تاریخ صدور آن روایات وابسته است^۴؛ چه اینکه این روایات در فضا، شرایط، عادت‌ها، سنن و اقتضاهای آن زمان به وجود آمده‌است و حضور در محیط عصر را بیشتر از قرآن

۱. ر. ک. آشوری، داریوش؛ تعریفها و مفهوم فرهنگ.

۲. بهروان، حسین، آسیب شناسی فرهنگی در اندیشه امام علی علیه السلام؛ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۱۳۰-۱۳۱، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، ص ۵۳۸.

۳. معین، محمد (۱۲۹۱-۱۳۵۰ ش)؛ فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۱۴۶.

۴. مهریزی، مهدی، نگاهی تاریخی به مساله فقه و زمان؛ آینه پژوهش، ش ۳۶، بهمن و اسفند ۱۳۷۴، ص ۲۳.

نشان می‌دهد و به تعبیر دکتر حنفی حدیث از قرآن تاریخی تر است؛^۱ لذا توجه به جهت صدور روایت‌ها و آگاهی کامل از اوضاع زمان صدور در بسیاری از موارد، برداشت‌ها را تغییر می‌دهد و باعث به دست آوردن حکم واقعی می‌شود که فلان حکم مربوط به یک حادثه خارجی است نه حکم شرعی و کلی تلقی کردن آن خلاف است.^۲

برای روشن شدن بیشتر اهمیت مساله ذکر چند مثال سودمند خواهد بود:

مثال اول: روشن است که شرایط زمانی امام حسن علیه‌السلام با زمان امام حسین علیه‌السلام متفاوت است و این امر باعث می‌شود که صلح در زمان امام حسن با صلح در زمان امام حسین علیه‌السلام فرق کند و در نتیجه هر کدام حکم خاصی پیدا کند، اولی واجب و دومی حرام گردد؛ گرچه به ظاهر هر دو صلح است؛ تأثیر زمان و مکان در این حکم، نکته‌ای بدیهی و ضروری است و اگر درست تبیین شود، شاید برای هیچ کس جای مناقشه‌ای باقی نماند.^۳

مثال دوم: در روایات برای تباکی (خود را شبیه گریه گن ساختن) برای امام حسین علیه‌السلام ارزش فراوان قائل شده‌است و دهها روایت در این باره جمع آوری شده‌است.^۴ فلسفه اصلی این روایات تهییج احساسات علیه یزیدها و ابن‌زبایدها و به سود حسین‌ها و حسینی‌ها بوده است؛ در شرایطی که امام حسین علیه‌السلام به صورت یک مکتب در یک زمان حضور دارد و سمبل راه و روش اجتماعی معین و نفی‌کننده راه و روش موجود معین دیگری است؛ یک قطره اشک ریختن نوعی سربازی است، در شرایط خشن یزیدی، در حزب حسینی‌ها شرکت کردن و تظاهر به گریه نمودن نوعی اعلام وابسته بودن به گروه حق و اعلام جنگ با گروه اهل باطل و در حقیقت نوعی از خودگذشتگی است؛ اینجاست که عزاداری حسین بن علی علیهما‌السلام مبارزه اجتماعی با طاغوت و طاغوتیان است. اما کم‌کم روح این مساله فراموش می‌شود و مراسمی مجرد از وظایف اجتماعی و بی‌رابطه با حسین‌های زمان و بی‌ارتباط با یزیدها برپا می‌دارند؛ در چنین مراسمی نه تنها تباکی اثر ندارد؛ بلکه اگر اشک‌ها نثار شود به جایی بر نمی‌خورد؛^۵ لذا گفته می‌شود این احادیث در فضایی صادر شده‌اند که شیعه بودن جرم محسوب می‌گردید و حتی با قبر امام حسین علیه‌السلام مبارزه می‌شد و زندان، شکنجه و کشتن پاداش کسی بود که فهمیده می‌شد او از محبین حسین علیه‌السلام است. آیا در چنین شرایطی گریستن، احیای نام امام حسین علیه‌السلام و کار او نیست؟ کسی که چنین می‌کند تا چقدر باید روحی‌ایثارگر و حماسی داشته باشد (نه اینکه روی فرش نرم و فضای گرم و چای آماده، تظاهر به گریستن بکند و بهشت را مهیا ببیند).^۶

۱. حنفی، حسن، از نقد سند تا نقد متن (۴)، علوم حدیث، ش ۱۹، بهار ۱۳۸۰، ص ۴۰؛ ایازی، محمدعلی، تاریخ‌مندی در نصوص دینی، علوم حدیث، ش ۱، سال ۵۴.

۲. احمدی، حبیب‌الله، پویایی فقه اسلام، مجموعه آثار کنگره، ج ۱، ص ۶۸.

۳. حسینیان قمی، مهدی، زمان و مکان در روایات، مجموعه آثار کنگره، ج ۲، ص ۱۹.

۴. ر.ک. ابن طووس، علی بن موسی (۵۸۹-۶۶۴ق)؛ اللهوف، ص ۱۰.

۵. مطهری، مرتضی، نهضت‌های اسلامی در صد سال اخیر، ص ۸۰ و ۸۱.

۶. مبینی، حسن؛ اجتهاد در بستر تغییرات زمان و مکان، ص ۱۲۱ و نیز ر.ک. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۰۳۶-۱۱۱۱ق)؛ بحار الانوار، تصحیح بهبودی، ج ۴۴، ص ۲۹۳-۲۹۶.

مثال سوم: در حدیث معروفی داریم: «الجار ثم الدار»^۱. اگر این حدیث در جو مقام و منزلت همسایه در اسلام صادر شده باشد، معنی آن این است که انسان در مقام رفع حاجت‌ها، باید همسایه را بر اهل خانه مقدم دارد. ولی اگر در جو خریدن خانه و مذمت از همسایه بد، وارد شده باشد، معنی حدیث این است که اگر خواستید خانه‌ای خریداری کنید، اول از همسایه جستجو کنید و خانه‌ای را بخرید که همسایه خوبی دارد. این دو معنی با هم تفاوت دارد؛ حال آنکه از نظر جمله و ترجمه ظاهری در هر دو صورت تغییری حاصل نمی‌شود و تنها چیزی که تعیین کننده یکی از دو معناست، آگاهی از شأن ایراد حدیث است.^۲

اما آگاهی از فضای فرهنگی اجتماعی عصر حضرت علی علیه السلام از اهمیت بیشتری برخوردار است چرا که امام علی علیه السلام که در بین ائمه اطهار علیهم السلام از موقعیتی ممتاز برخوردار است؛ منظور از این موقعیت، مساله تشکیل حکومت توسط آن حضرت است، زیرا در غیر از آن بزرگوار و فرزند برومندش امام حسن علیه السلام که حدود شش ماه بیشتر در رأس خلافت نبود، دیگر امامان علیهم السلام به عنوان زمامدار حکومت ظاهری، دستورهایی صادر نکرده‌اند؛ بی شک فرامینی که به عنوان حاکم اسلامی از حضرت امیر علیه السلام صادر شده‌است باید به طور ویژه و با در نظر گرفتن شرایط و موقعیت‌های خاص امام علیه السلام ملاحظه و تفسیر گردد. به بیان دیگر نهج البلاغه از دیگر متون روایی عترت طاهرین ممتاز است، زیرا در تداوم تحلیل‌ها، تفسیرها و طرح ضرورت‌هایی شکل گرفت که امام علیه السلام از دوران پیش از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا پس از رحلت خورشید رسالت، با آنها روبرو بوده و قسمت مهم مباحث آن در دوران پنج سال حکومت آن حضرت شکل گرفت. نهج البلاغه در متن جامعه اسلامی، متناسب با دردها و درمان‌ها، بن‌بست‌ها و راه حل‌ها، حمله‌ها و دفاع اسلامی، عزل و نصب کارگزاران، صلح و جنگ با دشمنان داخلی و خارجی پدید آمده و نابسامانی‌های گوناگون را از میان برداشته است. از این رو ارزش کاربردی دارد و در عینیت جامعه اسلامی برگ و بار آور است، حالت ذهن‌گرایی و ایده آل‌نمایی ندارد، هم با دل و جان انسان‌ها کار می‌کند، روح را صفا می‌بخشد و زنگارها را از صافی دل می‌شوید و هم در جامعه و مسائل سیاسی و نظامی و اقتصادی حضور دارد و راه حل‌های اساسی ارائه می‌دهد.^۳

همچنین برای حل برخی سخنان خلاف انتظار امام، بعضی سخنان تضاد نما، مخالفت ظاهر برخی از مطالب نهج البلاغه با قرآن و نظام احسن آفرینش، دانستن فضای صدور مطالب نهج البلاغه اهمیت دارد. اگر بدانیم امام علیه السلام کدام خطبه را در کجا و چگونه و در جمع هواداران یا احزاب سیاسی و یا کدامین گروه اجتماعی ایراد کرده‌است و علل و انگیزه‌های سخنرانی امام علیه السلام چه بود؟ و چه عوامل سیاسی، اجتماعی، تاریخی و عقیدتی امام علیه السلام را به سخنرانی واداشت و اهداف کلی امام چه بود؟ بسیاری از شبهات و اضطراب‌های فکری ما نسبت به نهج البلاغه برطرف

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۳۱۱-۳۸۱ق)؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۸۱ و ص ۱۸۲؛ طبری، محمد بن جریر (قرن ۴)؛ دلائل الامامة،

ص ۵۶؛ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۰۳۳-۱۱۰۴ق)؛ وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۱۱۲.

۲. مصاحبه با آیت الله محمدفاضل لنکرانی، حوزه، ش ۴۳ و ۴۴، فروردین و اردیبهشت و خرداد و تیر ۱۳۷۰، ص ۱۴۵ (نظر آیت الله بروجردی).

۳. دشتی، محمد؛ شناخت و ویژگی‌های نهج البلاغه، ص ۶۴ و ۶۵.

می‌گردد و با آگاهی و روشنایی جان و روان، آماده فراگیری معارف نهج البلاغه می‌گردیم و تضادهای ظاهری را به راحتی حل می‌کنیم.^۱

یک مورد از این تضادها مربوط به «مساله جهاد» است که حضرت در یک خطبه مردم را به بازگشت به خانه‌های خود و جهاد نکردن دعوت می‌کند و می‌فرماید: «لَا يَهْلِكُ عَلَى التَّقْوَى سِنٌّ أَصْلٌ، وَلَا يَظْمَأُ عَلَيْهَا زَرْعٌ قَوْمٌ. فَاسْتَبْرُوا بِبُيُوتِكُمْ، وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ»^۲؛ آنچه بر اساس تقوای پایه گذاری شود، نابود نگردد، کشتزاری که با تقوا آبیاری شود، تشنگی ندارد. ای مردم! به خانه‌های خود روید و مسائل را میان خود اصلاح نمایید.

و در جای دیگر مردم را به جهاد دعوت می‌کند و می‌فرماید: «فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ، فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَانِهِ، وَهُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى، وَدَرِعُ اللَّهِ الْحَصِينَةَ، وَجَنَّتُهُ الْوَثِيقَةَ، فَمَنْ تَرَكَهُ زَعْبَةً عَنْهُ أَلْبَسَهُ اللَّهُ ثَوْبَ الذُّلِّ، وَشَمِلَهُ الْبَلَاءُ»^۳؛ همانا جهاد در راه خدا دری از درهای بهشت است که خدا آن را به روی بندگان مخصوص خود گشوده است. جهاد لباس تقوا و زره محکم و سپر مطمئن خداوند است، کسیکه جهاد را ناخوشایند دانسته و ترک نماید، خداوند لباس ذلت و خواری بر او می‌پوشاند و دچار بلا و مصیبت می‌شود.

با دقت در فضای صدور خطبه‌های فوق این تضاد به راحتی قابل حل است؛ زیرا حضرت خطبه ۱۶ را در موقعیت بیعت با وی در مدینه ایراد کرده است و آن موقع، شورش گران بر ضد عثمان هنوز در مدینه بود و از خلیفه انتقام گرفته بودند و حتی اجازه دفن جنازه عثمان را نمی‌دادند، در این موقع علی علیه السلام مردم را به آرامش دعوت می‌کند؛ اما در مورد خطبه ۲۷، گفته می‌شود موقعی ایراد شده است که خبر تهاجم سربازان معاویه به شهر انبار به گوش علی علیه السلام رسیده است، بدیهی است که امام در این موقعیت مردم را برای مقابله با غارت‌گری‌های معاویه دعوت به جهاد خواهد کرد.^۵

نمونه دوم بررسی سکوت امام علی علیه السلام است که بیست و پنج سال خار در چشم و استخوان در گلو سکوت کرد که با دانستن فضای فرهنگی اجتماعی آن زمان می‌توان دلیل این سکوت را توجیه نمود. باز در نهج البلاغه می‌بینیم که حضرت به اشعث پاسخ کوبنده می‌دهد^۶ درحالی که با افراد دیگر این چنین رفتار نمی‌کند، بررسی فضای صدور، کمک شایانی به فهم و تفسیر این عکس العمل حضرت می‌کند.^۷ این نکته نیز بر اهمیت مطلب می‌افزاید که

۱. دشتی، محمد؛ کلیدهای شناسایی نهج البلاغه، ص ۲۶۴.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۶.

۳. پیشین؛ خطبه ۲۷.

۴. ر.ک. ابن عساکر، علی بن حسن (۴۴۹-۵۷۱ق)؛ تاریخ مدینة دمشق، ج ۳۴، ص ۳۲.

۵. ر.ک. تقفی، ابراهیم بن محمد (م ۲۸۳ق)؛ الغارات، ج ۲، ص ۴۷۴-۴۷۶؛ قاضی، عبد الغزیز بن البراج (۴۰۰-۴۸۱)؛ المذهب، ج ۱،

ص ۳۲۳ و ۳۲۴؛ کلینی، محمد بن یعقوب (م ۳۲۹ق)؛ الکافی، ج ۵، ص ۶؛ ابن حیون، نعمان بن محمد (م ۳۶۳ق)؛ دعائم الاسلام، ج ۱،

ص ۳۹۰ و ۳۹۱؛ همو، شرح الاخبار، ج ۲، ص ۷۲-۷۴؛ ابن بابویه، محمد بن علی (۳۱۱-۳۸۱ق)، معانی الاخبار، ص ۳۰۹ و ۳۱۰.

۶. نهج البلاغه، خطبه ۱۹.

۷. ر.ک. ابن ابی الحدید (۵۸۶-۶۵۵ق)، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۹۶ و ۲۹۷ و طوسی، محمد بن حسن (۳۸۵-۴۶۰ق)؛ الخلاف،

ج ۵؛ ص ۱۴۷.

سخن علی علیه السلام با فرزندش امام معصوم یا با یکی از یاران نزدیکش با سخنی که با عموم مردم مطرح می کند، تفاوت دارد. بی شک دانستن مخاطبان خطبه ها، که خود گوشه ای از فضای صدور را بیان می کند، تأثیر شگرفی در یافتن نکات لطیف خطبه ها خواهد داشت.^۱

فضای فرهنگی اجتماعی عصر امام علی علیه السلام تا پذیرش خلافت

با توجه به اهمیت آگاهی از فضای علمی فرهنگی و شرایط اجتماعی، سیاسی و تاریخی در فهم عملکرد علی علیه السلام و مطالب نهج البلاغه باید ابتدا نگاهی به جامعه عرب بیندازیم.

الف: فرهنگ عمومی اعراب

قبل از ظهور اسلام هیچ گونه حاکمیت سیاسی واحد بر قبایل عرب مستولی نبود، هر قبیله برای خود حاکمیت سیاسی مستقلی داشت، از این رو آنها قدرتی پراکنده و فاقد رهبری واحد بودند، اسلام در حالی گسترش یافت که از نظر سیاسی در منطقه فقط با قدرت «قریش» روبرو بود و قریش هم خود به طایفه هایی تقسیم شده و تنها گروه خاصی از آنها در مقابل پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم قرار داشتند که در نهایت با تشکیل حکومت، آنها نیز تسلیم اسلام شدند. مهم ترین ویژگی حیات اجتماعی جزیره العرب، زندگی قبیله ای آن است که افراد در پناه قبیله خود می زیستند و جز به دستورهای رئیس قبیله به سخنان کسی دیگر توجه نمی کردند.^۲ رئیس قبیله الگوی مردم بود و افراد تابع محض رئیس خود بودند و در هر راهی که او قدم می نهاد از او پیروی می کردند، این وضعیت در زمان های بعد نیز ادامه یافت، به عنوان نمونه در زمان علی علیه السلام می بینیم که حضرت خطاب به روسای قبایل دستورهای صادر می کند تا مردم را به جهاد دعوت نمایند. ویژگی دیگر اعراب اعتقاد به ماه های حرام بود که چون حیات اجتماعی و اقتصادی آنان در گرو تجارت تابستانی به شام و سفرهای زمستانی به یمن بود، برای آرامش در این مسافرت ها، چهار ماه ذی قعدة، ذی حجه، محرم و رجب را ماه های حرام اعلام کرده و جنگ و خونریزی را در این ماه ها حرام نمودند.^۳

مردم عرب در میان افکار و تارهای سیاهی که چون عنکبوت گرداگرد خود تنیده بودند، می زیستند و در جهل خویش غوطه ور بودند. آزادی بی حساب و پیروی از هواهای نفسانی را بی نهایت دوست می داشتند؛ لذا از هر چه آزادی آنها را محدود می کرد متنفر بودند، خوی آنها غارتگری بود، هر چه را در دست دیگران می دیدند ربه و تاراج می کردند. در ربودن اموال دیگران حد معینی قائل نبودند؛ بلکه چشم ایشان به هر گونه ثروت یا ابزار زندگی می افتاد غارت

۱. البته این موضوع تنها در مورد موضوع «عصر امام علی علیه السلام» مطرح نشده است بلکه در مورد آیات قرآن کریم هم توسط آیت الله جوادی آملی مطرح شده است. ایشان در مورد قرآن کریم «جو نزول» را مطرح کرده و در تعریف آن می نویسند: جو نزول مربوط به سراسر قرآن کریم است و مراد از آن بستر مناسب زمانی و مکانی نزول سراسر قرآن است. قرآن کریم در طی ۲۳ سال بر قلب مطهر و گرامی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شد. حوادثی که در طی سالیان نزول قرآن در حوزه اسلامی و یا خارج از قلمرو زندگی مسلمانان و حکومت اسلامی پدید آمد و شرایط و افکاری که بر آن حاکم بود و یا رخدادهایی که بر اثر نزول آیات قرآن کریم در جهان آن روز پدید آمد، جو نزول قرآن است. (ر.ک. تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۲۳۵-۲۳۷).

۲. جعفریان، رسول؛ تاریخ سیاسی اسلام تا سال چهارم هجری، ص ۳۳-۳۸.

۳. حسینی، علی اکبر؛ تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام، ص ۶۹.

می کردند. در نظر اعراب جاهلی اخلاق به صورت دیگری تفسیر می شد، به طور مثال غیرت، شجاعت و مروت را می ستودند، ولی مفهوم شجاعت عبارت از سفاکی، خوب جنگیدن و غارت بیشتر بود.^۱

ب: بازگشت به فرهنگ جاهلی اندکی پس از ظهور اسلام

هنوز اندکی از ظهور آخرین دین آسمانی نگذشته بود که باز اعراب به وضعیت جاهلی خود برگشتند، عده‌ای به دنبال مال و ثروت بودند و تعدادی به دنبال غارتگری. در زمان عثمان این روحیه مال پرستی کاملاً مشخص صحنه های غارتگری اعراب در حمله عمال معاویه به شهرای عراق از نمونه های آن می باشد. اندیشه دینی که قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آموزگار آن بودند، برخلاف زندگی قبیله‌ای که تربیت افراد را در چهارچوب‌های محدود شکل می داد، آنان را فراتر از محدودیت‌های قومی تربیت کرد. حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم در دوران سیزده ساله مکه با درگیری فکری با نظام جاهلی، به جای اینکه از راه غلبه و قهر اقدام کند، از طریق ایجاد روحیه اخوت در میان مسلمانان همدلی به وجود آورد و به مرور زمان بر مبانی اشتراک در جهان بینی توحیدی و توافق بر سر رفتارهای اخلاقی، تردید جدی در نظام به اصطلاح سیاسی اجتماعی قبیله‌ای ایجاد کرد و به جای آن طرح نوین اجتماعی دین را پی ریخت، پیروی کورکورانه از آبا و اجداد را گمراهی خواند و شخصیت مسلمانان را مستقل از خاندان و طایفه شکل داد. تبعیض نژادی را محکوم، حکم ناحق را باطل و افتخارات جاهلی را ناروا شمرد. حق فراتر از پیوندهای نسبی و عصیت‌های قومی دانسته شد و خداوند برتر از تمام نزدیکان و خویشاوندان مورد توجه قرار گرفت. با طرح مفهوم سیاسی بیعت از همان ابتدا و نخستین بار در جریان انذار خویشاوندان نزدیک و سپس در بیعت عقبه اول، بستر سازمان فکری و ایده فرهنگی واحد را فراهم ساخت و بدین ترتیب شمار اندک مسلمانان در شعاعی محدود با نظام ولایی، حدود و قیود تعهدات متقابل آشنا شدند. در جریان پیمان عقبه دوم جبهه دینی واحدی که افراد چند قبیله، هسته اولیه آن را تشکیل می دادند، شکل سیاسی روشنی پدید آمد، اساسی ترین اقدام در جهت شکل گیری امت اسلامی و تثبیت حکومت، هجرت از مدینه به مکه بود و پس از آن مهم ترین آموزه ها در جهت قوت بخشیدن به عقیده مشترک نسبت به یکتای بی همتا و توحید ارائه شد و خداوند به عنوان حاکم و صاحب ولایت مطرح و رسول اعظم صلی الله علیه و آله وسلم به عنوان مسئول اعمال این ولایت و حاکمیت معرفی شد.^۲ در موسم حج سال دهم هجرت، صحرای غدیر شاهد اكمال دین و اتمام نعمت پروردگار با تعیین رسمی جانشینی امیر مومنان، علی علیه السلام بود. چندی بعد پیامبر به دیدار حق شتافت و هنوز علی علیه السلام مشغول تجهیز آن یگانه روزگار بود که اجتماع سقیفه شکل گرفت و ابوبکر به عنوان جانشین حضرت رسول انتخاب گردید، حضرت علی علیه السلام به خاطر حفظ وحدت، از هرگونه اقدام مسلحانه علیه حکومت وقت خودداری کرد، با اینکه خلافت را حق مسلم خود می دانست؛ در این زمینه در خطبه ششقیه می خوانیم: «ابوبکر جامه خلافت را بر تن کرد، در حالی که می دانست جایگاه من نسبت به حکومت اسلامی، نسبت سنگ آسیاب با خود آسیاب است که دور آن حرکت می کند، او می دانست که سیل علوم از دامن کوهسار من جاری می شود و مرغان دور پرواز اندیشه‌ها به بلندای ارزش من

۱. پیشین، ص ۶۳-۷۰؛ نصیری رضی، محمد؛ تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۶۵ و ۶۶. و رک. ایزوتسو، توشیهیکو؛ مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن مجید؛ ص ۱۰۷-۲۱۴.

۲. نصیری رضی، محمد؛ تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۱۱۲-۱۱۳.

نمی‌توانند پرواز کنند، پس من ردای خلافت را رها کرده و دامن جمع نموده از آن کناره گیری کردم و در این اندیشه بودم که آیا با دست‌تنها برای گرفتن حق خود به پا خیزم یا در این محیط خفقان‌زا و تاریکی که بوجود آوردند، صبر پیشه سازم؟ که پیران را فرسوده و جوانان را پیر و مردان با ایمان را تا قیامت و ملاقات پروردگار اندوهگین نگه می‌دارد؛ پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه‌تر دیدم، پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می‌دیدم که میراث مرا به غارت می‌برند»^۱.

خطر احتمالی حمله رومیان، جامعه آن روز را تهدید می‌کرد و مدعیان دروغین نبوت نظیر مسیلمه، سجاج و... در صحنه حاضر شده بودند و برای خود پیروانی پیدا کرده بودند و هنوز بسیاری از مردم آمادگی و آموزش‌های لازم اسلامی را ندیده بودند و لذا عده‌ای بعد از رحلت پیامبر، دست به شورش زده و راه ارتداد در پیش گرفته بودند. این عوامل و چند دلیل دیگر دست به دست هم داد تا امیرمومنان راه سکوت را در پیش بگیرد^۲.

بعد از حدود دو سال خلیفه اول در گذشت و عمر را جانشین خود نمود. عمر نیز ده سال شتر خلافت را دوشید و هنگامی که ضربه‌ای از سوی ابولولو دریافت کرد، دانست که باید رخت از جهان ببندد و خلافت را به دیگری بسپارد، این بود که قضیه شورای شش نفره را مطرح کرد. شرایط شورا چنین بود: اگر هر یک از شش نفر اعضای شورا در آن شرکت نمایند کشته می‌شوند؛ اگر تا سه روز توافق جمعی بر یک نفر نشود همگی کشته می‌شوند، اگر سه نفر در یک طرف و سه نفر دیگر در طرف دیگر قرار گیرند، خلیفه از میان آنهایی انتخاب می‌شود که عبدالرحمن بن عوف در آن قرار دارد. اعضای شورا عبارت بودند از: عبدالرحمن بن عوف (برادر خوانده و داماد عثمان)، سعد بن ابی وقاص (والی کوفه که از علی علیه‌السلام دل خوشی نداشت)، طلحه (از قبیله ابوبکر)، زبیر (پسر عمه حضرت علی علیه‌السلام، داماد ابوبکر و از جمله افرادی که در دفاع از خانه فاطمه علیها‌السلام نقش داشت)، عثمان و علی علیه‌السلام. نتیجه شورا از قبل مشخص بود؛ زیرا عبدالرحمن بن عوف و سعد بن ابی وقاص، طرف عثمان بودند و نیازی به بقیه نبود. در هر صورت عثمان که از قبیله بنی‌امیه بود^۳ به عنوان سومین خلیفه مسلمانان تعیین شد.

عثمان از ضعف مدیریت رنج می‌برد و در امور کشورداری سست بود، قوم و خویش‌های خود از بنی‌امیه را در پست‌های مهم سیاسی به کار گمارد، بسیاری از سنت‌های نبوی را درهم شکست، والیان منصوب از سوی خلفای پیشین را با آنکه لیاقت حکومت را داشتند، عزل نمود و عوامل طردشده از سوی پیامبر مانند مروان بن حکم را به مدینه فراخواند و منصب وزارت و مشاوره خلافت را به وی سپرد، برخی از صحابی را از مدینه تبعید کرد (ابوذر غفاری) و برخی دیگر همچون ابن مسعود و عمار را کتک زد، این اقدامات دست به دست هم داد و شورش‌های علیه عثمان به وقوع پیوست^۴.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۳.

۲. حسنی، علی اکبر؛ تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام، ص ۳۵۷-۳۵۹.

۳. عثمان بن عفان بن ابی العاص بن امیه؛ زرکلی، خیر الدین (۱۸۹۳-۱۹۶۶ م)؛ الاعلام، ج ۴، ص ۲۱۰.

۴. حسنی، علی اکبر؛ تاریخ تحلیلی سیاسی اسلام، ص ۳۸۴-۳۸۸.

فضای فرهنگی اجتماعی از پذیرش خلافت تا شهادت

پس از قتل عثمان، مردم چون یال‌های پشت کفتار، حضرت امیر علیه‌السلام را احاطه کردند تا آنجا که نزدیک بود حسن و حسین علیهما‌السلام زیر دست و پا لگدمال شوند و ردای حضرت پاره گردد، تا اینکه حضرت خلافت را بر عهده گرفت و علت قبول این مقام را چنین بیان فرمود: «سوگند به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید؛ اگر حضور فراوان بیعت کنندگان نبود و یاران حجت را بر من تمام نمی‌کردند و اگر خداوند از عالمان عهد و پیمان نگرفته بود که در مقابل شکم‌بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر دوش آن انداخته، ره‌ایش می‌کردم و آخر خلافت را به کاسه اول آن سیراب می‌نمودم؛ آنگاه می‌دیدید که دنیای شما در نزد من از آب بینی بزغاله‌ای بی ارزش‌تر است»^۱.

امام علی بن ابی طالب در ترسیم اوضاع سیاسی اجتماعی آن روز در بدو قبول خلافت می‌فرماید: «همانا شما در روزگاری هستید که گوینده حق اندک، و زبان از راستگویی عاجز، و حق‌طلبان بی‌ارزشند، مردم گرفتار گناه و به سازشکاری همداستانند، جوانانشان بد اخلاق، و پیرمردانشان گنه‌کار، و عالمانشان دورو و نزدیکانشان سودجویند. نه خردسالانشان بزرگان را احترام می‌کنند و نه توانگرانشان دست مستمندان را می‌گیرند»^۲. و در جای دیگر پرده از روی یک واقعیت برداشته و می‌گوید: «همانا این دین در گذشته اسیر اشرار و بدخواهان ملت بوده است و به سبب آن هواهای نفسانی خود را برآورده کرده و دنیای مرفه و محبوبی به دست می‌آوردند»^۳.

بدین ترتیب علی علیه‌السلام وارث خلافتی شد که خلیفه قبل از او را انقلابی‌ها کشته بودند و حتی اجازه دفن او را هم نمی‌دادند^۴، مولای متقیان حکومت عدالت محوری را شروع کرد؛ ولی عده‌ای از اصحاب پیامبر به همراهی عایشه غائله جمل را برپا کردند، در مجموع می‌توان چند عامل مهم را از انگیزه‌های فتنه‌انگیزی پیمان‌شکنان و بروز غائله جمل به شمار آورد:

- ذمائم اخلاقی همانند حسد و حقد و جهل و تعصب کورکورانه
- روش امیرمومنان علیه‌السلام در تقسیم عادلانه بیت‌المال و به طور کلی برنامه عدالت اقتصادی امام
- رد درخواست طلحه و زبیر در به دست گرفتن پست‌های کلیدی به خاطر عدم شایستگی آنان
- ایفای نقش فعال بنی‌امیه در تحریک پیمان‌شکنان و مشارکت مستقیم در پدید آمدن غائله جمل
- اصرار عایشه برای رسیدن به مطامع سیاسی و اقتصادی و لجاج و عنادورزی با مولای متقیان^۵.

عایشه در مکه مردم را به طلب خون عثمان برانگیخت و طلحه و زبیر به بهانه «عمره» از مرکز خلافت امام گریختند و به عایشه پیوستند و در آنجا اجتماع ناکثین را تشکیل دادند؛ اجتماعی که از ائتلافی ناهمگون و متضاد تشکیل

۱. نهج البلاغه، خطبه ۳.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۳۳.

۳. پیشین، نامه ۵۳؛ فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أَسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ، يُعْمَلُ فِيهِ بِالْهَوَى، وَتُطَلَّبُ بِهِ الدُّنْيَا

۴. مطهری، مرتضی، سیری در سیره سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام، ص ۲۴.

۵. میانجی، علی اکبر، ناکثین، دانشنامه نهج البلاغه، ج ۹، ص ۴۹-۶۳.

شده بود، ائتلاف از دو نیرویی که تا چندی قبل در انقلاب بر ضد عثمان رو در روی هم به سختی مبارزه می کردند، یعنی طلحه، زبیر و عایشه از سویی و نیروهای اموی از سویی دیگر؛ اما رخداد سیاسی جدید و حاکمیت دولتِ حقِ علوی و به خطر افتادن منافع مادی و خواهش‌های نفسانی دنیاگرایانه آنان، مخالفان دیروز را در صفی واحد قرار داده بود، نقطه آغاز این قیام و بسیج نیروها از شهر مکه انجام گرفت. نیروهای ناکثین به سمت بصره حرکت کردند، حرکت لشکر امیرمؤمنان نیز از مدینه آغاز شد، هر یک از دو لشکر در مسیری جداگانه به بصره نزدیک شدند. سپاهیان جمل زودتر به بصره رسیدند و با عثمان بن عفیف، کارگزار علی علیه‌السلام وارد نبرد شدند و سرانجام پس از یک نبرد خونین، معاهده صلحی بین طرفین برقرار شد که این معاهده از سوی شورشیان زیر پا نهاده شد و بصره به تصرف نیروهای ناکثین درآمد.

امیرمؤمنان نیز در مسیر حرکت خود به بصره به سرزمین «ذی‌قار» در جنوب عراق رسید. این منطقه مرکز ستاد تحرک‌های نظامی و سیاسی حضرت امیر علیه‌السلام در برهه پیش از وقوع جنگ جمل بود و خطبه‌هایی را در این مکان ایراد نمود.^۱ سپس به سوی بصره حرکت نمود و در جنگ جمل، ناکثین را شکست داد و وارد بصره شد و همانگونه عمل کرد که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در فتح مکه رفتار نمود، مردم بصره را عفو کرد و دستور داد عایشه را به مدینه ببرند و پس از آن به سوی کوفه حرکت کرد.^۲

جنگ جمل میوه تلخ بذری بود که عایشه در سینه انتقام‌جویش کاشت و طلحه و زبیر آن را آبیاری کردند، جمل شمشیری بود که از پشت سر بر قصد حضرت علی علیه‌السلام در جهت جنگ با معاویه زده شد و به طور کلی مبارزه گروه جمل جهت وصول به قدرت فراز و نشیب‌های مختلفی را با خود داشت و طی سه مرحله پیاپی صورت گرفت:

الف: تلاش این گروه در جهت به دست گرفتن خلافت که در زمان عثمان صورت گرفت و به همین جهت در جریان شورش علیه وی فعالانه شرکت کردند.

ب: به جهت اینکه افکار عمومی پس از کشته شدن عثمان آنها را یاری نکرد و اکثریت مردم به طرف حضرت علی علیه‌السلام گرایش پیدا نمودند، در این مرحله، طلحه و زبیر با حضرت بیعت کردند تا در قدرت سهیم باشند و در فکر تجزیه قدرت بودند ولی علی علیه‌السلام در این مرحله خواسته آنها را رد کرد.

ج: زمانی که امیر مؤمنان طرح مشارکت طلحه و زبیر را در امر خلافت نپذیرفت؛ آنها بنای مبارزه مسلحانه و شورش علیه او را گذاشتند تا خلافت را از وی بگیرند، این مرحله مبارزه مسلحانه بود و لذا دست به ایجاد تشکیلات نظامی زدند و روی در روی علی علیه‌السلام ایستادند، ولی در نهایت هر چند ضرباتی بر پیکره خلافت حضرت زدند ولی نتوانستند به اهداف خود برسند.^۳

۱. از جمله خطبه‌های ۱۳۷، ۱۴۷، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۲۷، ۲۳۱.

۲. میانجی، علی اکبر، ناکثین، دانشنامه نهج البلاغه، ج ۹، ص ۶۴-۱۳۲.

۳. درخشه، جلال، مواضع سیاسی حضرت علی علیه‌السلام در قبال مخالفین، ص ۱۴۴ و ۱۴۵.

شرایط عمومی کوفه در عصر خلافت علی علیه السلام

پس از جنگ جمل اوضاع ظاهری ایجاب می کرد که علی علیه السلام به مدینه برگشته و به گسترش شئون اسلامی و دیگر امور مربوط به خلافت بپردازد، ولی امام راه کوفه را برگزید تا مدتی در آنجا رحل اقامت افکند، این کار به دو جهت بود:

۱. در حالی که امیرمومنان با گروه انبوهی از مدینه حرکت کرد و گروه هایی در نیمه راه به او پیوستند، ولی بیشتر سربازان و جان نثاران امام را مردم کوفه و حوالی آن تشکیل می دادند، پس از آنکه امام در نبرد با ناکشین پیروز شد و دشمن را تارومار ساخت، حق شناسی ایجاب می کرد که از خانه و کاشانه این مردم دیدن کند و لیبک گویان و جهادگران خود را تقدیر و بازماندگان از جهاد (افرادى همچون ابوموسى اشعری و همفکران او) را تویخ و مذمت نماید.

۲. امام علیه السلام می دانست که شورش پیمان شکنان گناهی است از گناهان معاویه که آنان را به نقض میثاق تشویق کرده بود و از روی فریب، غایبانه دست بیعت به آنان داده و حتی در نامه ای که به زیبر نوشته بود^۱ خطوط شورش را کاملاً ترسیم کرده و یادآور شده بود که از مردم شام برای او بیعت گرفته است و باید هر چه زودتر کوفه و بصره را اشغال کنند و به خونخواهی عثمان تظاهر کنند و نگذارند فرزند ابوطالب بر آن دو شهر دست بگذارد.

اکنون که تیر این یاغی به خطا رفته و شورش پایان یافته بود؛ باید هرچه زودتر ریشه فساد قطع و شجره ملعونه بنی امیه از پیکر جامعه اسلامی بریده می شد. نزدیک ترین نقطه به شام همان کوفه است. گذشته از این عراق منطقه ای لشکر خیز و فدایی پرور بود و امام بیش از هر جای دیگری باید به آنجا تکیه می کرد، علی علیه السلام در یکی از خطبه‌ها به این مطلب اشاره کرده و می فرماید: «**وَاللّٰهٖ مَا اَخْتَارَا، وَلٰكِنْ جُنْتُ اِلَيْكُمْ سَوْقًا**»، به خدا سوگند من به میل خود به سوی شما نیامده‌ام بلکه آمدنم از سوی ناچاری بود.^۲

البته می توان این دلایل را نیز اضافه نمود: بیداری و آگاهی کوفیان، پیشگامی کوفیان در بیعت با علی علیه السلام، حضور برگزیدگان صحابه و تابعین در کوفه، حضور موالی و نقش فرهنگی آنها در کوفه، سابقه دوستی کوفیان با مولای متقیان، دوری از قریش و ستم‌های آنها، حضور دلاوران و جنگجویان عرب در کوفه، آشنایی کوفیان با فنون نظامی و خردورزی کوفیان.^۳

در مجموع پنج سال خلافت علی علیه السلام، سه گروه مخالف با امام علی علیه السلام درگیر نبرد شدند: ناکشین (سپاهیان جمل)، قاسطین (لشکریان معاویه که در سرزمین شام ساکن بودند و خلافت علی علیه السلام را نپذیرفتند) و مارقین (شورشیان خوارج که ابتدا امام علیه السلام را مجبور به پذیرش صلح در جنگ صفین کردند و سپس همین کار

۱. ر.ک. ابن ابی الحدید (۵۸۶-۶۵۵ق)، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۳۱.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۷۰.

۳. سبحانی، جعفر؛ فروغ ولایت، ص ۴۶۶-۴۶۸.

۴. ر.ک. نادم، محمد حسن؛ خاستگاه فرهنگی نهج البلاغه، ص ۸۲-۹۸.

خود را کفر دانسته به مبارزه با علی علیه السلام پرداختند)، شهید مطهری در باره تفاوت مخالفان علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین نتیجه گیری کرده است که مخالفان رسول خدا عده ای کافر و بت پرست بودند و در زیر شعار بت پرستی با پیامبر مبارزه می کردند و توحید و نبوت را انکار می کردند؛ اما علی علیه السلام با یک طبقه آگاه ولی بی دین مواجه شده بود که متظاهر به اسلام بودند ولی مسلمان واقعی نبودند، شعارهایشان، شعار اسلامی ولی هدف هایشان بر ضد اسلام بود. پدر معاویه که ابوسفیان است در زیر شعار «اعل هبل» به جنگ با پیامبر می آمد، لذا کار پیامبر و مبارزه با او آسان بود، ولی پسرش معاویه که همان روح ابوسفیانی و اهداف شیطانی در سر دارد در زیر شعار آیه «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا»^۱.

تفاوت دیگر این بود که در دوره خلفا و بویژه عثمان آن مقداری که باید و شاید، ادامه تعلیم و تربیتی که پیامبر توصیه کرده بود، گرفته نشد، فتوحات زیادی صورت گرفت ولی فرهنگ اسلامی توسعه نیافت و اصول، حقایق و اهداف اسلامی برای افرادی که تازه مسلمان شده بودند به درستی تبیین نشد؛ در این مدت جامعه از رشد و تربیت دینی برکنار ماند و قبایل تازه مسلمان شده از آموزش های لازم بی بهره ماندند و اگر آموزش های منفی، بویژه در دوره خلیفه سوم به تخریب افکار کمک نمی کرد، بصیرتی را نمی افزود. دور منفی آموزش عمومی در این مرحله، شکاف میان مردم و معارف قرآن را تشدید نمود، معرفت آموزان را هم به سکوت واداشت؛ در چنین فضایی، نه کسی به آموختن رغبت می نمود و نه آموخته ها گرهی از کارها می گشود^۲؛ در اثر این بی غفلی در زمان خلفای سه گانه طبقه ای در اجتماع اسلام ایجاد شد که به اسلام علاقمند بودند؛ اما فقط ظاهر اسلام را می شناختند، این طبقه مقدس مآب، متنسک و زاهد مسلک در دنیای اسلام به وجود آمده بود که از کثرت سجود پیشانی آنها پینه بسته بود ولی از روح اسلام آشنایی چندانی نداشتند، علی علیه السلام در چنین شرایطی حکومت را به دست می گیرد^۳.

برای ترسیم بهتر اوضاع فرهنگی سیاسی عصر امام علی علیه السلام باید نگاهی هم به خوارج بیندازیم که گروهی از لشکریان علی علیه السلام بودند و بسیاری از نویسندگان، خاستگاه آنها را فتنه عمرو بن عاص در صفین می نویسند که وقتی قرآن ها را بالای نیزه بردند، خوارج گفتند: «ما با اهل قرآن ستیز نداریم» و بر خواسته خویش شوریدند و نیز بیشتر نویسندگان بر این باورند که توطئه حکمیت را خوارج بر علی علیه السلام تحمیل کردند و سپاه علی علیه السلام را که در آستانه پیروزی بود، با شکست مواجه ساختند. به نظر می رسد که این سخن قابل نقد است؛ زیرا خاستگاه خوارج، جنگ صفین نیست، بلکه کژراهی و پندار غلط آنان از دین است. خوارج یک جریان فکری هستند که نتیجه آن کژاندیشی در صفین آشکار شد. خاستگاه این اندیشه یکسویه نگری به احکام و معارف دینی، بویژه بخش عبادی آن است، آنان برداشت های غلط از دین داشتند و به رهنمودهای عترت که سخنگوی دین هستند توجه نمی کردند. رویکرد افراطی بدون اندیشه به عبادت و تمجید خاستگاه این اندیشه است، آنان برداشتی قشری، سطحی و خشک از دین داشتند، به عبادت بی

۱. هر چند در مورد خوارج باید گفت که بیشتر آنها آگاه نبودند.

۲. اسراء/۳۳.

۳. رک. نقی زاده، حسن؛ نظام علوی و چالش های فرهنگی؛ مشهد: همایش سیره اجتماعی و حکومتی امام علی علیه السلام، ۱۳۷۹، ص ۱۶۳.

۴. مطهری، مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام، ص ۲۵-۳۱.

روح، روی آورده بودند، پیشانی‌ها از سجده طولانی متورم بود و حتی زانوها مانند زانوی شتر پینه بسته بود، روزها به روزه و شب‌ها به تهجد روی می‌آوردند، در عقاید خویش سخت متعصب و آماده فداکاری در دفاع از آن بودند^۱.

تحلیل انگیزه‌های مخالفت خوارج (که مهمترین آنها را می‌توان حاکمیت اشخاص بر دین، تعیین مدت برای داوران و تعارض حاکمیت انسان با حصر حاکمیت خدا) ثابت می‌کند که این گروه برخلاف شامیان هرگز در طلب جاه و مقام نبودند، بلکه اعوجاج و عقب ماندگی خاصی بر آنها حکومت می‌کرد^۲.

هرج و مرج‌های اعتقادی و بروز خودرایی‌های خوارج از جمله مشکلات فرهنگی حکومت امیرمومنان بود و در مجموع می‌توان مهم‌ترین نابسامانی‌های فرهنگی حکومت علوی را چنین برشمرد:

۱. انقطاع فرهنگی و جداماندن مسلمانان از سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

۲. جمود فکری و فقدان بصیرت دینی

۳. ابتدال تدریجی فرهنگ و اخلاق و استحاله نیروهای کارآمد

۴. درهم‌فروریختن حرمت‌ها و قداست‌ها

۵. اعتبار یافتن عناصر ناباب و نفوذ این عناصر به درون حوزه فرهنگ سازی جامعه مسلمانان

۶. نیرو گرفتن عصیت‌های نژادی و قبایلی

۷. کینه توزی و اختلاف^۳.

پس از جریان حکمیت و فریب خوردن ابوموسی اشعری، معاویه پایه‌های قدرت خود را تثبیت کرد و با حملات موزیانه به برخی از سرزمین‌هایی که تحت حکومت امام بود، دست‌اندازی کرد و با ناامن کردن آنها بر حکومت مرکزی فشار آورد. عمال معاویه به دستور او در قلمرو حکومت امام جنایت‌های هولناکی از قبیل کشتار، غارت اموال، تخریب منازل و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم مرتکب شدند و بدین ترتیب عهد و پیمان صلحی را که با علی علیه‌السلام تا تعیین نتیجه حکمیت منعقد کرده بودند، نقض کردند؛ حمله غارتگرانه نعمان بن بشیر به عین‌التمر^۴، سفیان بن عوف به انبار^۵، ابن‌حضرمی به بصره^۶، ضحاک بن قیس^۱ و بسر بن ارطاه^۲ به یمن^۲ از جمله این جنایت‌ها بود.

۱. احمدی، حبیب‌الله؛ حکومت علوی و جریان‌های اجتماعی، حکومت اسلامی، ش ۱۷، پاییز ۷۹، ص ۴۱۹ و ۴۲۰.

۲. ر.ک. سبحانی جعفر؛ فروغ ولایت، ص ۷۱۳-۷۱۸.

۳. نقی‌زاده، حسن؛ نظام علوی و چالش‌های فرهنگی؛ مشهد: همایش سیره اجتماعی و حکومتی امام علی علیه‌السلام، ۱۳۷۹، ص ۱۵۶ و ۱۵۷.

۴. ر.ک. ابن ابی‌الحدید (۵۸۶-۶۵۵ق)، شرح نهج‌البلاغه، ج ۲، ص ۳۰۱-۳۰۴؛ مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ پیام امام، ج ۲، ص ۴۱۵.

۵. ر.ک. تقفی، ابراهیم بن محمد (م ۲۸۳ق)؛ الغارات، ج ۲، ص ۳۲۵، موسوی، محسن باقر؛ المدخل الی علوم نهج‌البلاغه، ص ۲۹۶ و ۲۹۷.

۶. ر.ک. ابن ابی‌الحدید (۵۸۶-۶۵۵ق)، شرح نهج‌البلاغه، ج ۴، ص ۳۴ و ۳۵.

هرچند امام برای دفاع از مردم گروه‌هایی را گسیل داشت، ولی سستی یاران امام مانع از آن می شد که امواج فتنه مزدوران معاویه فرو نشیند؛ امام بارها از سستی و بی وفایی یاران خود شکایت کرد؛ از جمله در خطبه‌ای فرمودند:

«أَلَا وَإِنِّي قَدْ دَعَوْتُكُمْ إِلَى قِتَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَيْلًا وَنَهَارًا، وَسِرًّا وَإِعْلَانًا، وَقُلْتُ لَكُمْ: اغزُوهُمْ قَبْلَ أَنْ يَغزُوَكُمْ، فَوَاللَّهِ مَا غَزَى قَوْمٌ قَطُّ فِي عُمْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا، فَتَوَاكَلْتُمْ وَتَخَادَثْتُمْ حَتَّى شَنَّتْ عَلَيْكُمْ الْغَارَاتُ، وَمَلَكَتْ عَلَيْكُمْ الْإِوْطَانَ... فَاتَلَّكُمْ اللَّهُ! لَقَدْ مَلَأْتُمْ قَلْبِي قَيْحًا، وَشَحَنْتُمْ صَدْرِي غَيْظًا، وَجَرَّعْتُمُونِي نَعْبَ التَّهْمَامِ أَنْفَاسًا».

«من شبان و روزان، آشکارا و نهان، شما را به رزم این مردم تیره روان خواندم و گفتم: با آنها بستیزید، پیش از آنکه بر شما حمله برند، و بگریزند. به خدا سوگند با مردمی در آستانه خانه‌شان نکوشیدند، جز که جامه خواری بر آنان پوشیدند. اما هیچ یک از شما خود را برای جهاد آماده نساخت و از خواری‌مائی، هر کس کار را به گردن دیگری انداخت؛ تا آنکه از هر سو بر شما تاخت آوردند و شهرها را یکی پس از دیگری از دستتان برون کردند... خدایتان بمیراناد! که دلم از دست شما پر خون است و سینه‌ام مالا مال خشم شما مردم دون، که بیای پی جُرعه اندوه به کامم می‌ریزید».

نتیجه‌گیری

مراد از فضای فرهنگی اجتماعی عصر امام علی علیه السلام، مجموع شرایط فرهنگی، علمی، اجتماعی و تاریخی عصر حضرت علی علیه السلام است که در چنین موقعی، امام به ایراد خطبه پرداخته و مطالبی را بیان نموده‌اند یا رفتاری را انجام داده‌اند که از لحاظ رفتارشناسی قابل تامل و واکاوی است.

از آنجا که فرایند درک و تفسیر متن با زمینه‌های فکری، اجتماعی، تاریخی و فرهنگی‌ای که در زمان خلق اثر و تکوین متن و گفتار، مولف را احاطه کرده و او در آن جغرافیای خاص فرهنگی، اجتماعی و تاریخی به خلق اثر پرداخته است در ارتباط است، لذا آشنایی با فضای فرهنگی اجتماعی عصر امام علی علیه السلام ضرورت دارد. بویژه که آن حضرت در رأس حکومت اسلامی قرار گرفته و بی‌شک فرامینی که به عنوان حاکم اسلامی از حضرت امیر علیه السلام صادر شده‌است باید به طور ویژه و با در نظر گرفتن شرایط و موقعیت‌های خاص امام علیه السلام ملاحظه و تفسیر گردد.

۱. رک. تقفی، ابراهیم بن محمد (م ۲۸۳ق)؛ الغارات، ج ۲، ص ۴۸۲ و ۴۸۳؛ طوسی، محمد بن حسن (۳۸۵-۴۶۰ق)؛ الامالی، مفید، محمد بن محمد (۳۳۶-۴۱۳ق)، الاختصاص، ص ۱۵۳؛ اسکافی، محمد بن عبدالله (م ۲۴۰ق)؛ المعیار و الموازنة، ص ۹۸؛ ابن عساکر، علی بن حسن (۴۴۹-۵۷۱ق)؛ تاریخ مدینة دمشق، ج ۱، ص ۳۲۱؛ ابن ابی الحدید (۵۸۶-۶۵۵ق)، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۱۳-۱۲۵؛ متقی، علی بن حسام الدین (۸۸۸-۹۷۵ق)؛ کنز العمال، ج ۱۱، ص ۳۵۵؛ ابن قتیبہ، عبدالله بن مسلم (۲۱۳-۲۷۶ق)؛ الامامة و السياسة، تحقیق: شیری، ج ۱، ص ۱۷۰-۱۷۱.

۲. رک. تقفی، ابراهیم بن محمد (م ۲۸۳ق)؛ الغارات، ج ۲، ص ۵۹۳ و ۶۳۵ و ۶۳۶. ونیز رک. جعفری، محمد مهدی؛ پرتوی از نهج البلاغه، ج ۲، ص ۴۵۹.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۲۷.

۴. نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، ص ۲۷ و ۲۸.

در تشریح فضای فرهنگی اجتماعی عصر امام علی علیه السلام تا پذیرش خلافت ابتدا باید نگاهی به فرهنگ عمومی اعراب داشته باشیم که امام در آن جامعه زندگی می کرد؛ اعرابی که قبل از پذیرش اسلام فاقد حاکمیت سیاسی مستقل بوده و به طور قبیله ای زندگی می کردند، آزادی بی حد و مرز و خوی غارتگری از ویژگی های مهم آنها بود که با ظهور اسلام زندگی تازه ای یافتند، اندیشه دینی که قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آموزش آن بودند، برخلاف زندگی قبیله ای آنان را فراتر از محدودیت های قومی تربیت کرد. ولی هنوز اندکی از ظهور آخرین دین آسمانی نگذشته بود که باز اعراب به وضعیت جاهلی خود برگشتند، هنوز عده ای به دنبال مال و ثروت بودند و تعدادی به دنبال غارتگری. هنوز پیکر مطهر پیامبر بر زمین بود که سوداگری حکومت از سوی ابوبکر و عمر شروع شد و سپس به عثمان رسید که سوء مدیریت را تا آنجایی پیش برد که مردم بر او شوریدند و پس از قتلش، علی علیه السلام را به خلافت انتخاب کردند. امام پس از پذیرش خلافت، با ذمایم اخلاقی عدیده ای همانند حسد و حقد و جهل و تعصب کورکورانه مواجه بود، لذا با در پیش گرفتن عدالت در تقسیم بیت المال و کلیه امور خلافت با قدرت طلبی تعدادی از صحابه خارج شده از مسیر اسلام واقعی همچون طلحه و زبیر، زراندوزی، سلطنت طلبی و تزویر بنی امیه مقابله کرد، مقابله با بنی امیه به سرکردگی معاویه و پیراوانی که شتر نر را از ماده تشخیص نمی دادند و معاویه را کاتب وحی می دانستند کاری بس دشوار بود.

در کنار این سختی ها، خوارج هم که عدای زاهد متسک بودند و پس از فتنه عمرو بن عاص در بالا بردن قرآن ها در جنگ صفین ظاهر شدند، علی علیه السلام را واجب القتل دانستند، آنان برداشتی قشری، سطحی و خشک از دین داشتند، به عبادت بی روح، روی آورده بودند، پیشانی ها از سجده طولانی متورم بود و حتی زانوها مانند زانوی شتر پینه بسته بود، روزها به روزه و شبها به تهجد روی می آوردند، در عقاید خویش سخت متعصب و آماده فداکاری در دفاع از آن بودند

هرج و مرج های اعتقادی و بروز خودرایی های خوارج از جمله مشکلات فرهنگی حکومت امیرمومنان بود و در مجموع می توان مهم ترین نابسامانی های فرهنگی حکومت علوی را چنین برشمرد: انقطاع فرهنگی مسلمانان از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، جمود فکری و فقدان بصیرت دینی، ابتدال تدریجی فرهنگ و اخلاق و استحاله نیروهای کارآمد، درهم فروریختن حرمت ها و قداست ها، اعتبار یافتن عناصر ناباب و نفوذ این عناصر به درون حوزه فرهنگ سازی جامعه مسلمانان، نیرو گرفتن عصبیت های نژادی و قبیله ای، کینه توزی و اختلاف.

امام برای مقابله با این جریانها اقداماتی را انجام داد، به طوری که در جنگ نهروان، خوارج در هم شکستند و هیچگاه نتوانستند حکومت و قدرت مستقلی ایجاد کنند، ولی سستی یاران امام در مقابله با معاویه ظاهر الصلاح مانع از آن می شد که امواج فتنه مزدوران معاویه فرو نشیند؛ به طوری که امام بارها از سستی و بی وفایی یاران کوفی خود شکایت می کند.

فهرست منابع

الف: کتابها

قرآن کریم

نهج البلاغه ترجمه سید جعفر شهیدی

۱. آشوری، داریوش؛ **تعریفها و مفهومی فرهنگ**؛ [بی جا]؛ مرکز اسناد فرهنگی آسیا؛ ۱۳۵۷ ش.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۵۸۶-۶۵۵ق)؛ **شرح نهج البلاغه**؛ تحقیق: محمدابوالفضل ابراهیم؛ ۲۰ ج؛ [بی جا]؛ دار احیاء الکتب العربیة، عیسی البابی الحلبي و شرکائه؛ الطبعة الاولى: ۱۳۷۸ق/۱۹۵۹م.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۳۱۱-۳۸۱ق)؛ **معانی الاخبار**؛ تحقیق: علی اکبر غفاری؛ قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛ ۱۳۶۱ ش.
۴. _____؛ **علل الشرايع**؛ ۲ ج؛ نجف: المكتبة الحيدرية؛ ۱۳۸۶ق/۱۹۶۶م.
۵. ابن حیون، نعمان بن محمد (م ۳۶۳ق)؛ **دعائم الاسلام**؛ تحقیق: آصف بن علی اصغ فیضی؛ ۲ ج؛ مصر: دارالمعارف؛ ۱۳۸۳ق/۱۹۶۳م.
۶. _____؛ **شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار**؛ تحقیق: محمد الحسینی الجلالی؛ ۳ ج؛ قم: موسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين؛ [بی تا].
۷. ابن طاووس، علی بن موسی (۵۸۹-۶۶۴ق)؛ **التهوف فی قتلى الطفوف**؛ قم: نور الهدی؛ الطبعة الاولى: ۱۴۱۷ق.
۸. ابن عساکر، علی بن حسن (۴۴۹-۵۷۱ق)؛ **تاریخ مدینة دمشق**؛ تحقیق: علی شیری؛ ۴ ج؛ بیروت: دار الفکر؛ الطبعة الاولى: ۱۴۱۸ق/۱۹۹۸م.
۹. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۲۱۳-۲۷۶ق)؛ **الامامة و السياسة المعروف به تاریخ الخلفاء**؛ تحقیق: علی شیری؛ ۴ ج؛ [بی جا]؛ انتشارات الشریف الرضی؛ الطبعة الاولى: ۱۳۷۱ ش/۱۴۱۳ق.
۱۰. اسکافی، محمد بن عبدالله (م ۲۴۰ق)؛ **المعیار و الموازنة**؛ تحقیق: محمد باقر المحمودی؛ [بی جا، بی تا، بی تا].
۱۱. انوری، حسن؛ **فرهنگ بزرگ سخن**؛ ۸ ج؛ تهران؛ سخن؛ چاپ اول: ۱۳۸۱ ش.
۱۲. ایزوتسو، توشیهیکو؛ **مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن مجید**؛ (ویراسته جدید، با اضافات و اصلاحات)؛ ترجمه: فریدون بدره ای؛ تهران: فروزان؛ چاپ اول: ۱۳۷۸ ش.
۱۳. برهان، محمد حسین بن خلف (قرن ۱۱)؛ **برهان قاطع**؛ به اهتمام محمد معین؛ ۴ ج؛ تهران: امیر کبیر؛ چاپ چهارم: ۱۳۶۱ ش.
۱۴. ثقفی، ابراهیم بن محمد (م ۲۸۳ق)؛ **الغارات**؛ تحقیق: جلال الدین المحدث؛ ۲ ج؛ [بی جا، بی تا]؛ سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
۱۵. جعفری، محمد مهدی؛ **پرتوی از نهج البلاغه، با نقل منابع و تطبیق با روایات ماخذ دیگر**؛ ۵ ج؛ تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ چاپ اول: ۱۳۸۰ ش.
۱۶. جعفریان، رسول؛ **تاریخ سیاسی اسلام تا سال چهلم هجری**؛ دفتر دوم؛ تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ چاپ دوم: ۱۳۶۹.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله؛ **تسنیم (تفسیر قرآن کریم): تنظیم و ویرایش: علی اسلامی؛ قم: اسراء؛ چاپ اول.**
۱۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۰۳۳-۱۱۰۴ق)؛ **تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة**؛ تحقیق: محمد الرازی؛ ۲۰ ج؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی؛ [بی تا].

۱۹. حسنی، علی اکبر؛ **تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام (۱)**، از دوران جاهلیت تا عصر امویان (حدود سال ۶۰ هجری)؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی؛ چاپ ششم: ۱۳۸۰ ش.
۲۰. حسینی دشتی، مصطفی، **معارف و معاریف: دایرة المعارف جامع اسلامی**؛ ویرایش ۲؛ تهران: موسسه فرهنگی آریه؛ چاپ سوم: ۱۳۷۹ ش.
۲۱. درخشه، جلال، **مواضع سیاسی حضرت علی علیه السلام در قبال مخالفین**؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی شرکت چاپ و نشر بین الملل؛ چاپ اول: ۱۳۷۸ ش.
۲۲. دشتی، محمد؛ **شناخت ویژگی‌های نهج البلاغه**؛ [ویرایش ۲]؛ قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین علیه السلام؛ چاپ اول: ۱۳۷۸ ش.
۲۳. _____؛ **کلیدهای شناسایی نهج البلاغه**؛ [ویرایش ۳]؛ قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین علیه السلام؛ چاپ اول: ۱۳۷۹ ش.
۲۴. دهخدا، علی اکبر (۱۲۵۸-۱۳۳۴ ش)؛ **لغت نامه دهخدا**؛ ۱۶ ج؛ تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران؛ چاپ دوم از دوره دوم: ۱۳۷۷ ش.
۲۵. زرکلی، خیر الدین (۱۸۹۳-۱۹۶۶ م)؛ **الاعلام قاموس تراجم لاشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین**؛ ۸ ج؛ بیروت: دار العلم للملایین؛ الطبعة التاسعة: ۱۹۹۰ ق.
۲۶. سبحانی، جعفر؛ **فروع ولایت: تاریخ تحلیلی زندگانی امیرمؤمنان علی علیه السلام**؛ قم: موسسه امام صادق علیه السلام؛ چاپ اول: ۱۳۷۴ ش.
۲۷. طبری، محمد بن جریر (۲۲۴-۳۱۰ ق)؛ **دلائل الامامة**، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیة موسسه البعثة؛ قم: موسسه البعثة، الطبعة الاولى: ۱۴۱۳ ق.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن (۳۸۵-۴۶۰ ق)؛ **الامالی**؛ تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیة، موسسه البعثة؛ قم: دار الثقافة؛ الطبعة الاولى: ۱۴۱۴ ق.
۲۹. _____؛ **الخلاف**؛ تحقیق: سید علی الخراسان، سید جواد شهرستانی، مهدی طه نجف؛ ۶ ج؛ قم: موسسه النشر الاسلامی؛ الطبعة الاولى: ۱۴۱۷ ق.
۳۰. عمید، حسن؛ **فرهنگ عمید جغرافیا و تاریخ و اطلاعات عمومی**؛ ۳ ج؛ تهران: امیر کبیر؛ چاپ چهارم: ۱۳۷۴ ش.
۳۱. قاضی، عبد العزیز بن البراج (۴۰۰-۴۸۱)؛ **المهذب**؛ ۲ ج؛ تحقیق: باشراف السبحانی؛ قم: جامعه المدرسین؛ ۱۴۰۶ ق.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب (م ۳۲۹ ق)؛ **الکافی**؛ تحقیق: علی اکبر غفاری؛ ۸ ج؛ [تهران]: دار الکتب الاسلامیة، آخوندی؛ الطبعة الثالثة: ۱۳۸۸ ق.
۳۳. مینی، حسن؛ **اجتهاد در بستر تغییرات زمان و مکان**؛ تهران: آوای نو؛ چاپ اول: ۱۳۷۵ ش.
۳۴. متقی، علی بن حسام الدین (۸۸۸-۹۷۵ ق)؛ **کنز العمال**؛ تحقیق: بکری حیانی، صفوة السقا؛ ۱۶ ج؛ بیروت: مؤسسه الرسالة؛ ۱۴۰۹ ق/۱۹۸۹ م.
۳۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۰۳۶-۱۱۱۱ ق)؛ **بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار**؛ تحقیق محمد باقر بهبودی؛ ۱۱۰ ج؛ بیروت: موسسه الوفاء؛ الطبعة الثانية: ۱۴۰۳ ق/۱۹۸۳ م.
۳۶. مصاحب، غلامحسین (۱۲۸۹-۱۳۵۸ ش)؛ **دایرة المعارف فارسی**؛ ۲ ج (در ۳ مجلد)؛ تهران: امیر کبیر، کتابهای جیبی؛ چاپ دوم: ۱۳۸۰ ش.
۳۷. مطهری، مرتضی؛ **سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام**؛ قم، تهران: صدرا؛ چاپ سیزدهم: ۱۳۵۷ ش.

۳۸. _____ ؛ **نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر؛** [ویرایش ۲]؛ تهران: صدرا؛ چاپ بیست و هشتم: ۱۳۸۴ش/۱۴۲۶ق.

۳۹. معین، محمد (۱۲۹۱-۱۳۵۰ش)؛ **فرهنگ فارسی متوسط؛** ۶ج؛ تهران: امیر کبیر؛ چاپ ششم: ۱۳۶۳ش.

۴۰. مفید، محمد بن محمد (۳۳۶-۴۱۳ق)؛ **الاختصاص؛** قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛ چاپ اول: ۱۴۱۳ق.

۴۱. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ **پیام امام امیر المومنین علیه السلام، شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه؛** ۶ج؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۴۲. موسوی، محسن باقر؛ **المدخل الی علوم نهج البلاغه؛** بیروت: دار العلوم للتحقیق و الطباعة و النشر و التوزیع؛ الطبعة الاولى: ۱۴۲۳ق/۲۰۰۲م.

۴۳. نادم، محمدحسن؛ **خاستگاه فرهنگی نهج البلاغه: پژوهشی درباره خاستگاه فرهنگی سخنان امام علی علیه السلام در نهج البلاغه؛** قم: نشر ادیان، چاپ اول: ۱۳۸۳ش.

۴۴. نصیری رضی، محمد؛ **تاریخ تحلیلی اسلام؛** تدوین: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی؛ ویرایش: عباس عبیری؛ قم: دفتر نشر و پخش معارف؛ چاپ شانزدهم: ۱۳۷۹ش.

ب: مقالات

۴۵. احمدی، حبیب الله، **پویایی فقه اسلام،** مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام خمینی (ره)، نقش زمان و مکان در اجتهاد؛ تحقیق و نظارت: کمیته علمی کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام خمینی (س)؛ موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)؛ ۱۳۷۴ش، ج ۱ ص ۴۵-۸۰.

۴۶. احمدی، حبیب الله؛ **حکومت علوی و جریان‌های اجتماعی،** حکومت اسلامی، ش ۱۷، پاییز ۷۹، صص ۴۰۵-۴۲۷.

۴۷. ایازی، محمدعلی، **تاریخ‌مندی در نصوص دینی،** علوم حدیث، ش ۱، سال ۱، صص ۴۴-۷۱.

۴۸. بهروان، حسین، **آسیب‌شناسی فرهنگی در اندیشه امام علی علیه السلام؛** مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۱۳۰-۱۳۱، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، ص ۵۳۸.

۴۹. حسینیان قمی، مهدی، **زمان و مکان در روایات،** مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام خمینی (ره)، نقش زمان و مکان در اجتهاد؛ تحقیق و نظارت: کمیته علمی کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام خمینی (س)؛ موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)؛ ۱۳۷۴ش، ج ۲ ص ۹-۳۶.

۵۰. حنفی، حسن، **از نقد سند تا نقد متن (۴)،** علوم حدیث، ش ۱۹، بهار ۱۳۸۰، صص ۳۹-۶۵.

۵۱. کاشفی، محمدرضا، **تاثیر امام علی علیه السلام بر فرهنگ و تمدن اسلامی،** دانشنامه نهج البلاغه، زیر نظر علی اکبر رشاد؛ تهران: مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر)؛ چاپ اول: ۱۳۸۰، ج ۱۱، صص ۳۰۳-۳۵۸.

۵۲. **مصاحبه با آیت الله محمدفاضل لنکرانی،** حوزه، ش ۴۳ و ۴۴، فروردین و اردیبهشت و خرداد و تیر ۱۳۷۰، صص ۱۳۷-۱۶۰.

۵۳. مهریزی، مهدی، **نگاهی تاریخی به مسأله فقه و زمان؛** آینه پژوهش، ش ۳۶، بهمن و اسفند ۱۳۷۴، صص ۴-۲۵.

۵۴. میانجی، علی اکبر، **ناکثین،** دانشنامه نهج البلاغه، زیر نظر علی اکبر رشاد؛ تهران: مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر)؛ چاپ اول: ۱۳۸۰، ج ۹، صص ۴۱-۱۳۲.

۵۵. نقی‌زاده، حسن؛ **نظام علوی و چالش‌های فرهنگی؛** همایش سیره اجتماعی و حکومتی امام علی علیه السلام (مشهد

۱۳۷۹)، به اهتمام: اصغر فروغی، حیدر فغفور؛ مشهد: انتشارات امام باقر علیه السلام؛ ۱۳۸۰ش؛ صص ۱۵۳-۱۸۳.